

## پیشگفتار

از قرن هفدهم بانک‌های فعال در کشورهای توسعه یافته، در معرض چهار محرک مهم تغییرات بوده که متقابلاً به هم پیوسته و تشدیدکننده یکدیگر می‌باشند. اولین محرک، یکپارچگی شدید بازارهای مالی ملی بوده (مانند بازارهای سهام و بازارهای نرخ بهره و نرخ‌های آتی (FX)) که امکان گسترش شوک‌های اقتصادی به سراسر مرزهای ملی را آسان‌تر می‌سازد. این افزایش یکپارچگی، برخی مؤسسات مالی را بیشتر در معرض بحران و حتی گاهی اوقات نکول قرار می‌دهد، زیرا مدیریت آنها قادر به بهبود واکنش خود نسبت به بحران‌های مذکور، از طریق استقرار سیستم‌های مناسب اندازه‌گیری و مدیریت ریسک نبوده‌اند.

دومین روند تغییرات، "عدم واسطه‌گری" بوده، به این معنی که دارندگان سپرده از سپرده‌گذاری در بانک به سمت سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآورتر حرکت نموده و شرکت‌های غیر مالی، مستقیماً به بازارهای سرمایه علاقمند شده تا بدهی جدید و سرمایه حقوق صاحبان سهام را افزایش دهند. این امر منجر به تغییر تمرکز بانک از کسب و کار سنتی سپرده و وام به شکل جدیدی از واسطه‌گری مالی بوده، که می‌بایست ریسک‌های جدید شناسایی شوند. این تغییر نگرش و نیز برخی تغییرات چارچوب نظارتی و قانونی، بدون شک مرزهای سنتی بین بانک‌ها و گروه‌های دیگر مؤسسات مالی را مبهم نموده است. در نتیجه امروزه، انواع مختلف واسطه‌گران مالی می‌توانند در دارایی‌های مشابه سرمایه‌گذاری نموده و خود را در معرض منابع ریسک مشابهی قرار دهند.

سومین محرک مهم، افزایش علاقمندی مراجع نظارتی به طرح‌های کفایت سرمایه، یعنی کاربردهای نظارتی جهت بررسی کفایت سرمایه بانک در جذب ریسک به منظور تضمین پایایی کل سیستم مالی می‌باشد. طرح‌های کفایت سرمایه، در حال حاضر بر پایه کنترل مستقیم بازارها و واسطه‌گران (محدود ساختن حوزه جغرافیایی و کارکردی عملیات بانک) و الزام بانک‌ها در ایجاد ادراکی کامل و جامع از ریسک‌های پیش روی خود، تقریباً به طور کامل جایگزین رویکردهای سنتی نظارتی شده‌اند.

در نهایت، آزادسازی جریان‌ات سرمایه بین‌المللی، منجر به تشدید رقابت میان مؤسسات مالی کشورهای مختلف در جذب کسب و کار و سرمایه‌گذاری و نیز افزایش متوسط هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام شده که مورد اخیر به یک عامل کلیدی در مدیریت بانک تبدیل شده است. این افزایش آگاهی سهامداران، حداقل در قاره اروپا با موج خصوصی‌سازی بانک همراه شده، که علیرغم اینکه گاهی اوقات متحمل محدودیت‌های بودجه عمومی می‌شوند، اما گروه جدیدی از سهامداران را

معرفی نموده که آگاهی بیشتری در مورد بازده سرمایه‌گذاری خود داشته و متعاقباً منجر به افزایش کارایی مدیریتی مؤسسات مالی شده است. این موضوع، بانکداری را مشابه سایر شکل‌های کارآفرینی نموده، که در آن هدف کلیدی مدیریت، ایجاد بازده کافی برای سهامداران می‌باشد.

چهار محرک مذکور هم در علل و هم نتایج ناشی از آنها، بسیار نزدیک و در هم تنیده می‌باشند. یکپارچگی مالی بالاتر، حذف واسطه‌گری و همگرایی مدل‌های مختلف واسطه‌گری مالی، طرح‌های نظارتی مبتنی بر کفایت سرمایه و نیز افزایش آگاهی و پویایی سرمایه‌گذاران سهام بانک، تماماً ارتباط میان ریسک و قابلیت مدیران بانک در ایجاد ارزش برای سهامداران خود را مورد تأکید قرار می‌دهند.

متعاقباً، مدیریت ارشد بانک‌ها، همانند مدیریت هر شرکت دیگر، نیازمند افزایش سودآوری به منظور برآورده ساختن انتظارات سهامداران خود بوده که امروزه مهارت و دقت بیشتری در اندازه‌گیری کارایی سرمایه‌گذاری خود دارند.

این کتاب به صورت "ترجمه و تألیف" بوده و جلد حاضر در بخش اول به معرفی ریسک نرخ بهره و در بخش دوم به معرفی ریسک بازار می‌پردازد. بخش عمده مطالب کتاب، برگرفته از کتاب "مدیریت ریسک و ارزش سهامداران در بانکداری"، نوشته آقایان آندره رستی و آندره سیرونی می‌باشد.

بخش‌های این کتاب، به بررسی گروه‌های اصلی ریسک تأثیرگذار بر سودآوری و توانگری مالی بانک می‌پردازند. گروه اول از ریسک‌ها، ریسک نرخ بهره بوده که در بخش اول و در فصول اول تا سوم این جلد معرفی شده‌اند. ریسک نرخ بهره از تفاوت ساختار سررسید بدهی‌ها و دارایی‌های سنتی بانک (به اصطلاح، دفتر بانکی) ناشی می‌شود. مدل‌ها و رویکردهای توسعه‌یافته جهت مدیریت این نوع ریسک، مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از آن‌ها می‌توان اثر تغییرات غیرمترقبه سطوح نرخ‌های بهره بازار را روی ارزش خالص بانک و نیز سود آن، مورد ارزیابی جامع قرار داد.

گروه دوم ریسک‌ها (بخش دوم و فصول ۴ تا ۸)، ریسک بازار بوده که به معنی ریسک کاهش ارزش سرمایه‌گذاری خالص بانک در اثر تغییرات غیرمترقبه قیمت‌های بازار (مانند نرخ‌های آتی، قیمت‌های سهام و کالا) می‌باشد. بر خلاف مدل‌های بررسی ریسک نرخ بهره در بخش اول که به بررسی کل طیف بدهی‌ها و دارایی‌های بانک می‌پردازند، اندازه‌گیری و مدیریت ریسک بازار، معمولاً روی بخش محدودی از ترازنامه بانک یعنی مجموعه سرمایه‌گذاری‌های بانک که به منظور ایجاد سود معاملاتی در کوتاه‌مدت به کار می‌روند (و در نتیجه، دفتر معاملاتی)، تمرکز می‌نماید. باید توجه داشت که عوامل ایجادکننده ریسک بازار، شامل قیمت اوراق بهادار (که به نوبه خود به سطح نرخ بهره بستگی دارند) نیز می‌باشند.

---

گروه‌های دیگر ریسک، شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و همچنین مباحث مربوط به تجمیع و ادغام ریسک، در جلد دوم این کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

امیدواریم کتاب حاضر، بتواند کمک مؤثری به پژوهشگران و دانشجویان و همچنین بانک‌ها و نیز سایر مؤسسات مالی، در شناسایی و اندازه‌گیری انواع ریسک‌ها نماید.

در نهایت از تمامی کسانی که ما را در تهیه این کتاب یاری داده‌اند، خصوصاً آقای مهندس علی پیروی، کمال سپاس را داریم. لازم به ذکر است کتاب پیش رو مسلماً عاری از اشتباه نبوده و خواهشمند است نقطه نظرات ارزشمند خود را جهت بهبود کیفیت مطالب به پست الکترونیکی ذیل ارسال فرمایید.

**Knturisk.book۲۰۱۴@gmail.com**